

جایگاه والای امام علی^(ع) و حقیقت متجلی در غدیر خم در آینه غدیره‌های شریف رضی، ابوفراس حمدانی و ابن رومی*

دکتر حمید ولی‌زاده**

رعنا نصیرپور ملکی***

چکیده

غدیر حامل پیام اسلام و نمایانگر ثمره نبوت پیامبر است. پیام غدیر، تعیین صراط مستقیم تا آخرین روز دنیاست و خطابه‌ی غدیر زنده‌ترین سند «ولایت مطلقه‌ی الهیه‌ی» دوازده امام^(ع) است. در روز غدیر، پیامبر اولوالعزم اسلام تنها خطبه‌ی امامت را به جای نیاورد بلکه آن بزرگوار در این خطبه، مبانی و اصول اعتقادی اسلام را به نحو احسن عرضه نمود. در طول چهارده قرن از تاریخ اسلام، شاعران شیعه‌ی محب اهل بیت^(ع) با اعتقاد ناب به ولایت علوی، زبان به تغنی گشوده و در قالب مدح و فخر احساسات درونی خویش را با تأثر از قرآن کریم و معارف اهل بیت^(ع) بیان داشته‌اند؛ اولین شاعر، حسان بن ثابت بود که در روز غدیر واقعه‌ی عظیم امامت را به تصویر کشیده و امامت علی^(ع) را تهنیت گفت. بعد از آن شاعران شیعه‌ی زیادی در ادوار مختلف، به مدح رسول (ص)، اهل بیت و

* - تاریخ دریافت: ۹۲/۰۱/۳۰ تاریخ پذیرش: ۹۲/۰۳/۱۳

** استادیار دانشگاه شهید مدنی آذربایجان

*** مدرس مدعو دانشگاه پیام نور واحد ملکان

حادثه‌ی غدیر پرداخته‌اند که از جمله‌ی آنها می‌توان ابوفراس الحمدانی، ابن الرومی، کشاجم، شریف‌الرضی، صفی‌الدین حلّی و... را نام برد. موضوع مورد بحث، درآمدی بر غدیره‌های سه شاعر شیعی در دوره‌ی عباسی است که عبارتند از: شریف‌الرضی گردآورنده‌ی نهج‌البلاغه، ابوفراس- الحمدانی و ابن‌الرومی. در این موجز سعی شده با نگاهی نو به ترجمه و تحلیل ابیات، تصویری راستین از احساس فطری و خرد پاک این شاعران بزرگ نسبت به واقعه‌ی غدیر و جایگاه والای امیرالمؤمنین علی^(ع) ارائه گردد.

کلمات کلیدی: امام علی^(ع)، غدیرخم، عصر عباسی، شریف رضی، ابوفراس حمدانی، ابن رومی.

۱- مقدمه

در زندگی سراسر افتخار، نورانیّت و پرفراز و نشیب، امام علی بن ابی طالب^(ع)، آن نابغه‌ی کبیر انسانیت و نمونه‌ی بی‌بدیل جهان فضیلت، هیچ نقطه‌ی سیاه و ظلمتی دیده نشده و در آسمان روح بزرگش لکه‌ای از فضای پست هواهای نفسانی مشاهده نشده است؛ بزرگ مردی که هیچ‌گاه قدمی از حق فراتر نگذاشت و با مراعات کرامت، مردانگی و ارزش‌های انسانی، فضل و برتری را از آن خود ساخت.

(موسوی، ۱۳۸۶: ۲۵-۲۴)

«علی^(ع) یکی از اولیای خداوند و از دوست داشتنی‌ترین مردم نزد خدا و پرورش یافته‌ی رسول خدا (ص) بود، چنان چه پیامبر در وصف ایشان چنین فرموده‌اند: «علیُّ بِمَنْزِلَةِ رَأْسِي مِنَ جَسَدِي» (متقی، بی‌تا: ۶۰۳/۱۱) ترجمه: (علی به منزله‌ی سر من از جسمم است)، همان‌طور که عدالت، شجاعت و قهرمانی علی^(ع) را نباید از خاطرنداخت که در جهان به مثل تبدیل گشته است» (الفخوری، ۱۹۸۶: ۳۴۶). بزرگ مردی که سعادت ولادت در خانه‌ی کعبه به او اعطا شد که هرکسی



فصلنامه ادبیات شیعه

لایق آن نبوده و از روز ولادت او کعبه به خود می‌بالد و به پاس این افتخاری که نصیبش شده بر خود می‌نازد؛ چرا که گوهر پر بهای صدفش، زینده‌ی تعالی هدفش می‌باشد. او فردی است که از جانب خدای متعال بر وصایت، جانشینی و برادری رسول گرامی اسلام (ص) برگزیده شد و اراده‌ی خداوند متعال بر این امر تعلق یافت که پایداری نهضت اسلامی را تنها با انتصاب علی^(ع) تضمین کرده و رسالت جهانی پیامبر خویش را با تعیین وصی و ولی در روز غدیر پس از او تکمیل نماید؛ چنانچه این روز و حوادث آن و نیز خطبه‌ی گرانقدر رسول (ص)، آنقدر در نظر دوستداران و محبان علی^(ع) و رسول اکرم (ص) بزرگ و مهم جلوه‌گر شد که نه تنها یکی از معتبرترین و پرمحتواترین منابع اصیل اسلامی گشت، بلکه با عرضه‌نمایی تمام اعتقادات و مبانی اصولی امامت و اسلام، راهنمای رهروان طریقت حق و مؤمنان به دین اسلام و شیعه‌ی دوازده امامی گردید.



فصلنامه ادبیات شیعه

۳

جایگاه والای امام
علی(ع) و حقیقت
متجلی در غدیر خم
در....

حادثه‌ی بزرگ غدیر، در تمام اعصار، همواره اذهان نویسندگان، ناقدان و مفسران را به خود مشغول داشته است، اما در این میان با ورود به عرصه‌ی شعر و ادب و الهام شاعران شیعه از روح انقلابی علی^(ع) و بیان حقایق نهفته در آن، بر ارزش و اعتبار آن فزونی گشته و با شکوهی هر چه تمام‌تر در دل عاشقان حق و حقیقت جایگیر شده است؛ زیرا این اشعار، از عشق، ایمان و خلوص نیت شاعرانی از تبارهای گوناگون به وجود آمده است که با پیروی از صراط علی^(ع) و آل او، راه خویش را یافته و با چراغ نور علی^(ع) از جاده‌ی تاریک ضلالت گذر کرده‌اند، و نام غدیریه بر خود نهاده‌اند. این شاعران در جای‌جای جهان و از اقشار مختلف با اقتدا به ولایت علوی، ادبیات و فرهنگ را در سایه‌سار قرآن از آب غدیر خم سیراب کرده و آن را جاودانه ساخته‌اند؛ گویا نام و یاد مولای پارسایان علی^(ع) آب حیات

دل‌هاست که دیوان‌ها را این‌گونه دل‌با ساخته و آثار ادبی و هنری را از آفت فنا و فراموشی پاک ساخته است؛ مدح مولای متقیان آن‌چنان زینت‌بخش دل‌ها و دفترها شده است که کمتر شاعری را می‌توان یافت که دست کم جرعه‌ای از خم غدیر نوشیده و حلاوت عشق علوی را نچشیده باشد.

در قرن چهارم هجری، در زمان اوج قدرت عباسیان و قیام‌های مکرر شیعه، جوّ حاکم به گونه‌ای بود که در اثر محدودیت شیعیان از طرف حکومت، کمتر کسی از آنان یارای تصریح عقاید خود را داشتند مگر کسانی که با خلوص نیت و جسارت، جان‌فشانی را هدف خود قرار داده باشند. در این دوره موضوع اصلی مدح شاعران، ثنای اهل بیت پیامبر (ص) و دفاع از حقانیت ایشان بود و جشن و سرور در هیجدهم ذی حجه مقارن با غدیر خم یکی از شعارهای آشکار و معمول آن گشته بود. در واقع این مداخل متاثر از شرایط سیاسی و مذهبی بود که حکومت عباسیان

آن را ایجاد کرده بود و به طوری خاص، متفاوت از مذهب قرون قبلی بود؛ چرا که شاعران شیعه در این دوره، با سلاح شعر و ادب به معرفی و تحکیم عقاید مذهبی خویش پرداخته و به جنگ دشمن رفته‌اند؛ از جمله شاعران حق‌جو و حقیقت‌گوی دوره‌ی عباسی که به زلالی چشمه‌ی جوشان ولایت شهادت داده و دربار‌ی غدیر شعر سروده‌اند می‌توان از شریف الرضی، ابوفراس الحمدانی و ابن الرومی و... نام برد که در این موجز -که به روش تحلیلی توصیفی انجام یافته است- سعی شده تا پس از نگاهی کوتاه به خطابه‌ی غدیر، با ترجمه و تحلیل غدیره‌های این سه شاعر بزرگ شیعه‌ی دوره‌ی عباسی، احساسات و موضع‌گیری‌شان در برابر دشمنان علی (ع) آشکارتر شده و موی‌شکافی و تأمل بیشتری در این باره انجام گیرد؛ چرا که به این موضوع با این سبک و هم‌چنین در اشعار این شاعران، چه به شکل کتاب و چه



فصلنامه ادبیات شیعه

۴

جایگاه والای امام
علی(ع) و حقیقت
متجلی در غدیر خم
در....

مقاله و یا پایان‌نامه، پرداخته نشده است؛ تنها یک مقاله با عنوان «شعر غدیر» در نشریه‌ی دو هفته‌نامه «گلستان قرآن» مرکز توسعه و ترویج فعالیت‌های قرآنی تهران، اردیبهشت (۱۳۷۹ش)، شماره ۹، توسط احمد اکملی به چاپ رسیده است.

۲. نگاهی کوتاه بر حادثه‌ی غدیر و خطبه‌ی آن

در روز هجدهم ذیحجه‌ی سال دهم هجری، رسول خدا (ص) امامت امت اسلامی را به عهده‌ی امام علی (ع) قرار داد. این امر به هنگام برگشت رسول خدا و مسلمانان از حجة الوداع (آخرین سفر حج رسول) در غدیر خم انجام گرفت؛ رسول خدا فرمان داد که مردم یک‌جا جمع شوند؛ سپس ضمن خطبه و معرفی امام علی (ع) به عنوان وصی خود، اطاعت از او را طبق آنچه که در قرآن کریم وارد شده، واجب نموده و چنین فرمودند: «فَمَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ، اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ و عَادِ مَنْ عَادَاهُ و انصُرْ مَنْ نَصَرَهُ و اخذُلْ مَنْ خذَلَهُ» (الحسکانی، ۱۴۱۱: ۱۹۰/۱). ترجمه: (هرکس که من مولا و پیشوای او بودم اینک علی پیشوا و مولای اوست، خداوندا دوست بدار کسانی را که او را دوست می‌دارند و دشمن بدار کسانی را که او را دشمن می‌دارند و یاری کن کسانی را که او را یاری می‌کنند و خوار و ذلیل کن کسانی را که او را خوار و ذلیل می‌نمایند).

آن بزرگوار سپس از منبر پایین آمد و به مسلمانان دستور داد که به امام علی (ع) در برابر ولایتی که او بر مسلمانان پیدا کرده است، وارد شده و به او تهنیت گویند، همه‌ی انصار و مهاجران یکی یکی بر خیمه‌ی امام رفته و ضمن تبریک با او دست بیعت دادند. گفته شده اولین کسی که به آن حضرت تبریک گفت، عمر بن خطاب بود (حقانی زنجانی، بی تا: ۷).



فصلنامه ادبیات شیعه

منافقان با احساس نزدیکی رحلت پیامبر و آگاهی از تصمیم حضرت برای تعیین رسمی جانشین خود، دست به اقداماتی اساسی زدند و صفوف خود را برای روزهای بعد از وفات آن حضرت آماده‌تر کردند. نطفه‌ی اصلی توطئه آنگاه بسته شد که دو نفر از رؤسای منافقان در یک تصمیم اساسی با هم پیمان بستند که اگر محمد از دنیا رفت یا کشته شد، نگذاریم خلافت و جانشینی او در اهل بیتش مستقر شود. سه نفر دیگر هم در این تصمیم با آنان هم‌پیمان شدند و اولین معاهده را در کنار کعبه بین خود امضا کردند و آن را داخل کعبه زیر خاک پنهان کردند، این افراد همان کسانی بودند که در حجة‌الوداع نقشه‌ی قتل پیامبر را کشیدند که با اطلاع پیامبر از سوی خداوند به سرانجام نرسید؛ اما منافقان دست از نقشه‌های شوم خود بر نداشته و اگرچه توانستند به تصمیمات خود جامه‌ی عمل پوشانده و حق ولایت را از علی (ع) سلب کرده و به نفع خود تمام کنند ولی نور غدیر در طول پانزده قرن، تعداد کثیر



فصلنامه ادبیات شیعه

۶

جایگاه والای امام
علی(ع) و حقیقت
متجلی در غدیر خم
در....

شیعیان و محبان اهل بیت را در بلندای تاریخ و پهنه‌ی جهان رقم زده و آفتاب ولایت را همچنان در مناطق مختلف دنیا درخشانده و تابناک جلوه‌گر ساخته و رسوایی منافقان را به همراه داشته است. (انصاری، بی‌تا: ۲۳)

آن چه بر گونه‌ی غدیر، رنگ جاودانگی زده و اهمیت و جایگاه آن را مضاعف گردانده است، نزول دو آیه‌ی (۳ و ۶۷) سوره‌ی مائده مبنی بر تکمیل رسالت پیامبر(ص) بود که خداوند فرمود: «یا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ» (مائده/۶۷) ترجمه: (ای رسول آن چه را که برایت از جانب پروردگارت نازل شده است ابلاغ نما و اگر انجام ندهی رسالتت به پایان نرسیده است). این رسالت از دیدگاه الهی آنقدر مهم بود که با کمترین کوتاهی در آن، پیامبر از رسالت چندین ساله‌اش معذور می‌شد و چون ایشان وظیفه‌ی الهی را انجام

داد آیهی دیگری بر او نازل شد که می فرمود: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا» (مائده/۳). ترجمه: (امروز دینتان را برای شما تکمیل کردم و نعمتم (ولایت و امامت) را بر شما تمام ساختم و پسندیدم که اسلام دین شما باشد).

بعد از نزول آیات الهی، حسان بن ثابت یکی از یاران پیامبر و شاعر اسلام اولین کسی بود که با زبان شعر، ولایت امام علی (ع) را لیبیک گفت:

يُنَادِيهِمْ يَوْمَ الْغَدِيرِ نَبِيُّهُمْ بَحْمٍ فَاسْمِعْ بِالرَّسُولِ مُنَادِيَا
يَقُولُ عَلِيُّ مَوْلَاكُمْ وَوَلِيِّكُمْ فَقَالَ وَ لَمْ يَدُؤَا هُنَاكَ التَّعَادِيَا
إِلَهُكَ مَوْلَانَا وَأَنْتَ نَبِينَا وَ لَمْ تَرَمْنَا فِي الْوَلَايَةِ عَاصِيَا
فَقَالَ لَهُ قُمْ يَا عَلِيُّ فَإِنِّي رَضِيْتُكَ مِنْ بَعْدِي إِمَامًا وَ هَادِيَا
فَمَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ عَلِيُّ أَمِيرُهُ فَكُونُوا لَهُ أَنْصَارَ صَادِقِ مُوَالِيَا
هُنَاكَ دَعَا اللَّهَ وَالْوَليُّ وَ كُنْ لِلَّذِي عَادَى عَلِيًّا مُعَادِيَا



فصلنامه ادبیات شیعه

(الحسکانی، ۱۴۱۱: ۲۰۲/۱)

۷

جایگاه والای امام
علی(ع) و حقیقت
متجلی در غدیر خم
در....

ترجمه: (در روز غدیر، پیامبر مسلمانان را در مکانی به نام خم ندا در داد، پس این منادا را از رسول (ص) بشنو/ که می فرماید: علی مولا و ولی شما است و این جمله را فرمود در حالی که هیچ مخالفی در این زمینه در میان مسلمانان نبود/ پروردگار تو مولای ما و تو پیامبر مایی و از جانب ما در ولایت هیچ نافرمان و متخلفی نمی بینی / سپس پیامبر به علی گفت: ای علی برخیز، من بعد از خود تو را به عنوان امام و هادی امتم انتخاب کردم و به آن راضی شدم/ پس هرکس که من مولای او بودم علی مولای اوست، پس یاران صادق او باشید و او را دوست داشته باشید/ آنجا دعا کرد: پروردگارا! دوست بدار کسی را که علی را دوست بدارد و دشمن بدار کسی را که با علی دشمن باشد).

بر این اساس، آشکار است که واقعه‌ی غدیر یکی از مهم‌ترین وقایع تاریخ پر فراز و نشیب اسلام است که در بین عامه‌ی مسلمانان، واقعه‌ای مسلم و قطعی تلقی می‌گردد.

۳. غدیره‌ی شریف رضی

ادیبان و شاعران هم چون شخصیت‌های بزرگ جهان در حد گرایش و ذوق و استعدادشان در قصاید و اشعار خود تحت تأثیر ابعاد گوناگون شخصیت علی^(ع) و جانشینی ایشان از طرف خداوند و پیامبر قرار گرفته و در این زمینه آثار گران‌بهایی از خود بر جای گذاشته‌اند، این شاعران هم شیفته‌ی ویژگی‌های فردی حضرت و هم شیدای فضایل و ویژگی‌های اجتماعی ایشان بوده‌اند. (شیروی خوزانی، ۱۳۸۱: ۳۲۴)

شریف رضی با اتسایش به خاندان امام علی^(ع) مفتخر شد که با تدوین و گردآوری نهج‌البلاغه، ربط وثیق دین و سیاست را به نمایش گذاشته و نشان دهد که چگونه امیرالمؤمنین علی^(ع)، هم زمام‌داری مقتدر و رزم‌آور است و هم زاهدی پارسا و موعظه‌گر؛ به طوری که هیچ‌کس به غیر او صلاحیت آن را نخواهد داشت. (جویا، ۱۳۷۹: ۶) آنچه شریف رضی در کتاب نهج‌البلاغه از کلام امیرالمؤمنین انتخاب کرده، نشانگر آن است که چنان چه کسی بتواند نفیس‌ترین جواهرات را از بین جواهرات عدیده انتخاب کند، خودش جوهری حاذق است و رضی در انتخاب سخنان امیر بلیغ‌تر از کتاب‌های خودش است. (واقف‌زاده، ۱۳۸۳: ۵۹)

رضی با اعتقاد به شیعه‌ی دوازده امامی، ابیاتی در وصف امام علی^(ع) و خاندان مطهر ایشان و حادثه‌ی پر شور غدیر به نظم در آورده است که در جهان اسلام و شیعه از ارزش فراوانی برخوردار است. هر کس در دیوان شریف رضی غور کند، خواهد دانست که رضی تا چه اندازه در فشار حسودان بوده و تا چه حد در حق او



بی‌شرمی کرده‌اند و به کسانی که در شمار اوساط مردم هم نبوده فخرفروشی کرده‌اند و به چشم شریف رضی کشیده‌اند و او ناگزیر شده مفاخر خود را نسبت به پدران عالی‌مقدار و عشیره‌ی بزرگوار - که هر کدام در سپهر مجد و شرف ستاره‌ی روشنی بوده‌اند - بشمرد؛ از آن جمله وقتی شنید یکی از دودمان قریش بر زادگان امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب می‌بالد با این که به هیچ‌یک از صحابه نسبت نمی‌رساند، (برقعی

قمی، ۱۳۱۸: ۱۸۹) این ابیات را سرود:

يَفَاخِرُونَا قَوْمٌ بِمَنْ لَمْ يَلِدْهُمْ يَيْتَمٌ إِذَا غَدَا السَّوَابِقُ أَوْ غَدِي
وَيَسْتَوُونَ مَنْ لَوْ قَدَّمُوهُ لَقَدَّمُوا عِذَارَ جَوَادٍ فِي الْجِيَادِ مُقَلَّدِ
قَتَى هَاشِمٍ بَعْدَ النَّبِيِّ وَبَاعَهَا لَمَرَمَى عَلِيٍّ أَوْ نَيْلِ مَجْدٍ وَ سُوْدُ
وَلَوْلَا عَلِيُّ مَا عَلُوا سِرْوَاتَهَا وَلَا جَعَجَعُوا مِنْهَا بَمَرْعَى وَ مَوْرِدِ
أَخَذْنَا عَلَيَّهِم بِالنَّبِيِّ وَ فَاطِمِ طِلَاعِ الْمَسَاعِي مِنْ مَقَامٍ وَ مَقْعَدِ
وَ طَلْنَا بِسَبْطِ أَحْمَدٍ وَ وَصِيَّهِ رِقَابِ الْوَرَى مِنْ مُتْهِمِينَ وَ مُنْجِدِ
وَ حُرْنَا عَتِيقًا وَ هُوَ غَايَةُ فَخْرِكُمْ بِمَوْلِدِ بِنْتِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدِ

(الرضی، د.ت: ۲۷۸-۲۷۷)

ترجمه: (به هنگام شمارش وعده‌ها و مفاخر پیشین، قومی (قریش) به ما به‌خاطر کسانی فخرفروشی می‌کنند که آنها را مانند ایتام به دنیا نیاورده‌اند/آنان فراموش می‌کنند کسی را که در صورت شناساندنش، او را بسان سیمای یکی از خوبان نقاب بر چهره معرفی می‌کنند/ او بعد از پیامبر(ص) تنها جوان و جوانمرد هاشمی است که دارای مراتب عالیه و مجد و عظمت و سروری است/اگر علی^(ع) نبود بزرگان آن قوم (قریش) بلند مرتبه نبودند و هیچ‌جا صدا و سخنی از آنها نبود/به واسطه‌ی پیامبر (ص) و فاطمه (س) همگی ما جایگاه و مقام یافتیم/به واسطه نوادگان پیامبر (ص) و علی^(ع) بالاتر از همگان قرار گرفتیم/با میلاد دختر قاسم بن محمد غمی کهنه یافتید حال آنکه آن نهایت فخرتان بود).



فصلنامه ادبیات شیعه



شاعر به حسودانی که چشم و گوش بسته دهان به دشنام باز می‌کنند، گوشزد می‌کند که آگاهی از تبار علی^(ع) در گرو شناخت اصل و نسب پیامبر (ص) است؛ این دو پاره‌ی نور و دو شاخه از شجره‌ی طیبه‌ی سیادت و شرف هستند، آنان از برگزیدگان فرزندان اسماعیل و گل سرسبد قریش از طایفه‌ی بنی هاشم‌اند و بعد از پیامبر (ص)، افتخار و عزت بنی‌هاشم با علی^(ع) پابرجا ماند که با جوانمردی و مراتب عالی‌ی خویش، نام قریش را در جایگاه بلند قرار داد؛ شاعر مخلص شیعه‌ی علوی در این روز ولادت فریاد و نغمه‌های شادی خویش را بر شیپور زمان دمیده و از این که او شاخه‌ای از درخت ریشه‌دار نبوی است به خود بالیده و با اعلان اصلحیت علی^(ع) به عنوان یگانه وصی و جانشین پیامبر اولوالعزم اسلام (ص) این‌گونه بر دشمنان فخر فروشی می‌کند:

فَجَدِّي نَبِيٍّ ثُمَّ جَدِّي خَلِيفَةَ فَمَا بَعَدَ جَدِّيْنَا عَلِيٌّ وَ أَحْمَدُ
وَمَا افْتَخَرْتُ بَعْدَ النَّبِيِّ بَعِيرَهُ يَدُ صَفَقَتِ يَوْمِ الْيَاسَعِ عَلَيَّ يَدُ
(همان، ۲۷۸)

ترجمه: (جد من پیامبر (ص) و خلیفه (علی) است و غیر از آنها جدی نداریم / دستی که در روز بیعت بر دست پیامبر (ص) قرار گرفت به کس دیگری غیر از پیامبر (ص) افتخار نمی‌کند).

شاعری که نسبت به ولادت علی^(ع) و نوادگان ایشان در پوست خود نمی‌گنجد، چگونه می‌تواند در برابر واقعه‌ی بزرگ غدیر - که جهان اسلام را منور به نام مبارکش ساخته - سکوت اختیار کند، بنابراین دیوارهای ترس و سکوت را در هم ریخته و وصایت نبی (ص) را بعد از چندین سال زنده می‌کند.

شاعر در ابیاتی که در مدح پدر خویش در روز غدیر خم، سروده است، ضمن ستایش پدر و اشاره به بزرگواری‌ها و محاسن وی با دلی پاک و خلوص نیت، عشق

و ایمان خود را نسبت به واقعه‌ی پرشکوه غدیر و حدیث ولایت امام علی (ع) هویدا می‌سازد. در لابلای ابیات، شاعر پرده از حقیقت غدیر و حوادث آن برمی‌دارد و از بیان کینه‌ی دشمنان نسبت به این انتخاب الهی و خیانت به وصی پیامبر (ص) چشم‌پوشی نمی‌کند و هر چند کنایه‌وار، اما قاطعانه، طمع آنان را زورمدارانه به خلافت بیان می‌دارد. وی با افتخار تمام جایگاه بلند مرتبه‌ی امام علی (ع) و شایستگی ایشان به لقب امیرالمؤمنین را ستوده و بر شیعی بودن خویش و پیرو علی بودن لبیک می‌گوید، آنجا که بیان می‌دارد:

نَطَقَ اللِّسَانُ عَنِ الضَّمِيرِ وَالْبِشْرُ عَنْهُنَّ الْبِشْرِ
الآنَ أَعْفَيْتِ الْقُلُوبَ مِنْ التَّقَلُّبِ وَ التَّقْوَرِ
عَذَرَ السُّرُورِ بِنَا وَ كَانَ وَفَاؤُهُ يَوْمَ الْغَدِيرِ
يَوْمَ أَطَافَ بِهِ الْوَصِيُّ وَقَدْ تَلَقَّ بِبِالْأَمِيرِ

(همان: ۱/۳۲۷)



فصلنامه ادبیات شیعه

ترجمه: (زبان از ضمیر و درون سخن گفت و بشارت و شادی از قیافه بشارت دهنده پیداست/ اکنون دل‌ها از اضطراب و وحشت شفا یافته است (آرام گرفته است)/ شادی و سرور از ما عذرخواهی کرد و روز آشتی و وفای آن تنها روز غدیر بود/ روزی که وصی رسولش حلقه بر در کوفت و لقب امیرالمؤمنین را از آن خود کرد.)

چنان چه عیان است، شاعر بزرگ شیعی در این ابیات گرانها و جاودانه‌ی خویش، از جان مایه گرفته و با استدلال از مبانی مذهبی و حق‌جویی شیعه، خصلت‌های نیکوی آل محمد را نمودار می‌سازد. شاعر در این ابیات، فضایل اخلاقی و امور معنوی را با روح شنونده در آمیخته و با یک جذبه‌ی عمیق، رهروان حق‌جو را به چشمه‌ی زلال حقیقت می‌رساند و فضای وسیع انسان‌ها را فراخ‌تر و فریاد دلنشینی را به دل هر انسانی می‌نشانند.



شریف رضی ولایت را بشارت می‌دهد؛ پیامی آسمانی که دل هرکسی با شنیدن آن به بهجت و سرور گراییده و لبخند را بر لبانش هدیه می‌کند. وی مژده می‌دهد که با چراغ نور علی (ع) به عنوان وصی پیامبر الهی (ص)، ریشه‌ی هر غم و اندوهی برکنده شده و نهال شادی و امید شروع به روپیدن می‌کند؛ به باور رضی، اگرچه این حق از امیرالمؤمنین (ع) با خدعه و نیرنگ سلب شده است ولی نباید از لطف و کرم الهی غافل بوده و زانوی غم بغل گرفت؛ چرا که این زورگویانند که بایدانده و غم داشته باشند چون اجر معنوی الهی را به مادیات دنیوی فروختند و خشم الهی را نصیب خود گردانیده جو آخرت خود را سوزاندند؛ لذا شاعر با شادی و مسرت از ولایت علی (ع) ادامه می‌دهد:

فَتَسَلْ فِيهِ وَرُدَّ عَارِبَةً الْقَرَامَ إِلَى الْمَعِيرِ
وَابْتَزَّ أَعْمَارَ الْأُمُومِ بَطُولِ أَعْمَارِ السُّرُورِ
فَلَقَّ بِرِ قَلْبِكَ مَنْ يُعَلِّلُ هَمَّهُ نُطْفَ الْخُمُورِ

(همان، ۳۲۷)

ترجمه: (با آن دلت را تسلی بده و عشق عاریتی را به معشوق برگردان / ریشه‌ی غم و اندوه برکن و نهال شادی و سرور بنشان / آن دیگرانند که اندوه دل را با جرعه شراب چاره می‌سازند.)

۴. غدیره‌ی ابوفراس حمدانی

ابوفراس حمدانی، سردار شیعه مذهب، فرزانه‌ای که شکوفه‌ی جوانی او در گلشن ادب جوانه زد و رایحه‌ی عطر حیات اجتماعی‌اش دل‌انگیز گردید، بسیار دلیر و شجاع بود و تمام توان خویش را در خدمت اعتلای حکومت شیعی حمدانیان گذارد و به عنوان کارگزار امین و سردار دلیر سیف‌الدوله، در صحنه‌ی امارت و میدان جنگ

به زیبایی درخشید. ابوفراس با تأسی به خاندان رسالت، بر اعتقاد و علاقه‌ی خود به اهل بیت (ع) پافشاری داشت و در پیروی و بیان فضایل امیر مؤمنان علی (ع) و پیشوایان معصوم (ع) بی‌باک بود، وی در سروده‌هایش بسیار به تندی بر نابخردی امویان و ستم عباسیان می‌تاخت، چنان که وی را در شمار شاعران آل محمد (ص) بر شمرده‌اند. (پورامینی، ۱۳۸۰: ۲۰) ابوفراس ایمان راسخ داشت که راه الهی خویش را با نور ائمه‌ی معصومین (ع) یافته و به صراط مستقیم هدایت رهنمون گشته است، وی از سرچشمه‌ی فضایل و مناقب آن سیراب گشته و در آخرالزمان نیز جز آنان راهبری نمی‌شناسد، او می‌گوید:

يَا رَبُّ إِنِّي مُهْتَدٍ بِهُدَاهُمْ لَا أَهْتَدِي يَوْمَ الْهُدَى بِسِوَاهُ

(الحمدانی، ۱۹۹۴: ۳۴۸)

ترجمه: (خدایا من به راهنمایی آنان راه یافته‌ام و روز هدایت به غیر آن راه، به

راه دیگری هدایت نمی‌شوم.)

با توجه به مذهب شیعی ابوفراس و بی‌پروایی او در ابراز آن، او را در زمره‌ی شاعران اهل بیت در آورده‌اند که با وجود قلت این اشعار، در جهان اسلام زبانزد و شهره‌ی خاص و عام گردیده است؛ «چرا که ابوفراس اغراض دینی شعرش را تنها برای اثبات تشیع و خضوعش به اهل بیت (ع) و توسل به آنها در راه رسیدن به آمال و آرزوها و نجات در روز قیامت به نظم در آورده است. شاعر در مشهورترین قصیده‌ی خود که آن را «شافیه» نام نهاده‌اند، به صراحت و بی‌پروایی به دفاع از آل علی (ع) پرداخته و دشمنی عباسی‌ها با علویان را ذکر نموده است و در واقع انگیزه‌ی سرودن او از شافیه، همین بوده است». (بروکلمان، د.ت: ۹۴)



فصلنامه ادبیات شیعه



او در شافیهای خود با موضع‌گیری در برابر دشمن - که به آل علی (ع) توهین کرده بودند - با اشک و اندوهی وافر که قلب هر خواننده‌ای را به تپش و می‌دارد، به شکستن حرمت پیامبر (ص)، اهل بیتش و تقسیم اموال آنان اشاره می‌کند و متذکر می‌شود که امت نبی (ص) با لباس اسلام و سنت نبوی دست به ظلم و فساد زده‌اند، و شیعیان نیز از ترس حاکمان جابر یا انزوا را پناهگاه خود قرار داده و مهر سکوت بر لب زده‌اند و یا همچون انسان‌های کور و کر، در کوچه و خیابان راه می‌روند که هیچ حادثه و فرمانی نمی‌تواند عواطفشان را تحریک و ترغیب کند؛ بنابراین آرزو می‌کند که ای کاش مردانی با غیرت، نترس و مؤمن به خدا و رسول او پیدا شوند تا بتوانند انتقام این ظلم را گرفته و آل علی را از زندان‌های بنی‌عباس رهایی بخشند تا حکومت اسلامی دوباره به دست صاحبان حق بیفتد. وی این احساسات پاک و زیبای خویش را چنین بیان می‌دارد:

الدِّينُ مُخْتَرَمٌ وَالْحَقُّ مُهْتَضَمٌ وَفِي آلِ رَسُولِ اللَّهِ فُتْسَسَمٌ
وَالنَّاسُ عِنْدَكَ لَا نَاسٌ فَيُحْفِظُهُمْ سَوْمُ الرُّعَاةِ وَلَا شَاءَ وَلَا نَعَمٌ
بُنُو عَلِيٍّ رَعَايَا فِي دِيَارِهِمْ وَالْأَمْرُ تَمْلِكُهُ النَّسْوَانُ وَالْخَلْدُمُ

(الحمدانی، ۱۹۹۴: ۳۰۰)

ترجمه: (دین خدا نابود شده و حق و حقیقت غصب شده است و اموال آل رسول خدا در دست دشمنان تقسیم شده است/مردمی که پیرامون تو هستند، مردمانی نیستند که حکومت و فرمان بالا دستانشان آنها را به خشم آورد و غیرت شان را تحریک کند، آنها حتی گوسفند و چهار پا هم نیستند/ فرزندان علی (ع) در سرزمین خود هم چون رعیتی ساده و تحت حکومت دیگران واقع شده‌اند و سرپرستی امور به دست زنان و خدمت‌گزاران افتاده است.)



شاعر بعد از این که هتک حرمت آل نبی (ص) را بر همگان هویدا می‌سازد، این بار روی سخن را به خود علی (ع) بر می‌گرداند، بزرگ مردی که بیست و پنج سال تمام بر حکومت به زور سلب شده‌ی خویش اعتراضی نکرد، چرا که او خود بهتر از هر کسی می‌دانست که حق و حقیقت نزد باری تعالی آشکار بوده و به مرور زمان مردم نیز به خوبی بر این حق قضاوت خواهند کرد و چه بسا زبان شعری در طول تاریخ به عنوان مؤثرترین راه برای بیان حقیقت، شاعران را واداشته است تا با بیانی ادیبانه و در پشت پرده‌ی کنایه و رمز حقایق را آشکار سازند، اما ابوفراس در قصاید خود نه تنها از رمز و کنایه بهره‌نجمسته است، بلکه صریح و بی‌پروا لب به سخن گشوده و حقیقتی را که از منظر دشمن حقیقتی تلخ و گزنده است، آشکار ساخته است. او با تبار لعن و نفرین در حق چنین انسان‌هایی گرگ صفت، به ولایت علی (ع) در روز غدیر - که با مکر و حیل‌های شیطانیان از او گرفته شد - اشاره می‌کند؛ به روزی که به فرمان الهی رسالت نبوی تکمیل شده و نه تنها علی (ع) وصی و جانشین او گشت بلکه در آن روز، مبانی اعتقادی اسلام در خطبه‌های رسول (ص) استوار گردید. شاعر ضمن اشاره به حادثه‌ی غدیر و خطبه‌ی مشهور پیامبر (ص) که همگان بر آن گواه بودند، قهرمانی‌ها و دل‌آوری‌ها و نیز جایگاه والای امام علی (ع) را متذکر می‌شود؛ فردی که شب‌های قدر در حق او نازل شده است؛ قرآن را از بیان پیامبر (ص) دریافت کرده و تلاوت نموده است؛ قهرمانی که خوابیدن وی در بستر پیامبر (ص) در شب هجرت، اهالی آسمان و زمین را مدهوش نمود؛ یگانه سردار شجاعی که فاتح خیبر بود و تنها با یک دست، در خیبر را از جای‌کننده بود. «شجاعتی که جبرئیل امین درباره‌ی آن چنین فرموده‌اند: "لاسیف إلاذوالفقار و لافتی إلا علی"

(مغنیه، ۱۳۸۶: ۷۱) ترجمه: (هیچ شمشیری جز ذوالفقار و هیچ جوانمردی جز علی وجود ندارد.)

آیا کسی جز علی^(ع) می‌تواند صاحب تنها یک خصلت از این فضایل باشد که خداوند در قرآن به آن اشاره کرده است و پیامبر (ص) در جمع هزاران نفر خود را جانشین خویش گرداند و عقد اخوت با او ببندد؟ خطاب شاعر در ابتدا به تمام کسانی است که در روز غدیر دوشادوش پیامبر راه رفته و جزو نزدیک‌ترین یاران او بودند و با جاری شدن خطبه‌ی غدیر از اولین تهنیت‌گویندگان بودند و اینک با دلی پر از کینه، نقشه‌ی قتل علی^(ع) را می‌کشند و سپس به شیعیان سست بنیادی اشاره می‌کند که با هر باد وزنده‌ای به این طرف و آن طرف چرخیده و در نهایت، طوفان هر سمتی که شدت بیشتری داشته باشد به آن طرف روی می‌کنند؛ همه‌ی این حوادث، احساس شعری شاعر را به جوشش آورده و قلب او را به تپش وا می‌دارد؛ به طوری نمی‌تواند از ابراز این حقایق چشم‌پوشی کند و به یادآوری آن وقایع نپردازد؛ چنان چه با این هیجان شاعر، اشعاری زیبا و در عین حال کوبنده، پا به عرصه‌ی شعری می‌گذارد که اعجاب همگان را به خود وا داشته و سبب رسوایی دشمنان می‌شود. شاعر می‌گوید:

تَبَّأ لِقَوْمٍ تَابَعُوا أَهْوَاءَهُمْ فِيمَا يَسُوءُهُمْ غَدَاً عَقَبَاهُ
أَتْرَاهُمْ لَمْ يَسْمَعُوا مَا خَصَّه مِنْهُ «التَّيْبِيُّ» مِنَ الْمَقَالِ أَبَاهُ؟
إِذْ قَالَ يَوْمَ «غَدِيرِ خُمٍّ» مُعَلِنًا! «مَنْ كُنْتَ مَوْلَاهُ فَذَا مَوْلَاهُ»!
هَذِي وَصِيَّتُهُ إِلَيْكُمْ! فَافْهَمُوا! يَا مَنْ يَقُولُ بَأَنَّ: مَا أَوْصَاهُ!
اقْرُوا مِنَ «الْقُرْآنِ» مَا فِي فَضْلِهِ! وَ تَأْمَلُوهُ وَافْهَمُوا فَحَوَاهُ!
لَوْ لَمْ تُنْزَلْ فِيهِ إِلَّا: «هَلْ أَتَى» مِنْ دُونِ كُلِّ مُنْزَلٍ، لَكَفَاهُ

^۱ - مقصود شاعر در بیت آیه‌ی «هل أتى الإنسان حيناً من الدهر لم يكن شيئاً مذكوراً» (انسان/۱) است.



مَنْ كَانَ أَوَّلَ مَنْ جَنَى «الْقُرْآنَ» مِنْ
 مَنْ كَانَ صَاحِبَ فَتْحِ «خَيْبَرَ»؟ مَنْ رَمَى
 مَنْ بَاتَ فَوْقَ فِرَاشِهِ مُتَنَكِّرًا
 مَنْ ذَا أَرَادَ إِلَهُنَا بِمَقَالِهِ:
 مَنْ خَصَّهُ «جَبْرِئِلُ» مِنْ رَبِّ الْعَالَمِ
 طُوبَى لِمَنْ أَلْفَاهُ يَوْمَ أَوَامِهِ
 لَفِظِ النَّبِيِّ، وَ نُطْقِهِ وَ تَلَاؤُهُ؟
 بِالْكَفِّ مِنْهُ بَابُهُ، وَ دَحَاهُ؟
 لَمَّا أَظْلَلَ فِرَاشَهُ أَعْدَاهُ
 «الصَّادِقُونَ الْقَائِمُونَ»، سِوَاهُ؟
 بَتَّحِيَّةٍ مِنْ رَبِّهِ وَ حَبَاهُ؟
 فَاسْتَلَّ مَاءَ حَيَاتِهِ فَسَقَاهُ
 (الحميداني، ١٩٩٤: ٣٤٧)

ترجمه: (نفرین بر مردمی که از هوای نفسانی خود تبعیت کردند، آنان مرتکب عملی شدند که عذاب و نتیجه‌ی آن فردا گریبانشان را خواهد گرفت / آیا فکر می‌کنی که آنان کلام رسول را درباره‌ی خصوصیات پدر او "پدر امام حسین (ع)" نشنیده بودند؟ / هنگامی که در روز غدیر خم آشکارا و علنی گفتند: هرکس که من مولای اویم، اینک علی مولای او است / این وصیت پیامبر بر شما است. آن را دریابید و بفهمید. ای کسانی که می‌گویید پیامبر وصیت نکرده است / از قرآن کریم فضایل او را بخوانید و در آن تأمل کنید و مضمون و محتوایش را دریابید و بفهمید / اگر درباره‌ی او جز آیه‌ی «هل أتى» آیه‌ی دیگری نازل نمی‌شد، قطعاً او را کفایت می‌کرد / چه کسی اولین شخصی بود که قرآن را از لفظ و سخن و بیان پیامبر (ص) گرفت و آن را تلاوت کرد؟ / چه کسی فاتح خیبر بود کسی که در خیبر را با دست پرتاب کرد و دور انداخت؟ / چه کسی در میان تمام مردم، با پیامبر برگزیده همکاری کرد و به کمکش برخاست، و چه کسی با او پیمان اخوت بست؟ / چه کسی به طور ناشناس شب را در بسترش گذراند، آن هنگام که دشمنان بر بسترش سر برآورده بودند؟ / مقصود پروردگار از این گفتار «الصادقون القائمون» چه کسی جز اوست؟ / چه کسی را جبرئیل از سوی خداوند بزرگ، به تحیت و درود گرامی



فصلنامه ادبیات شیعه

داشت؟/خوشا به حال کسی که روز تشنگی‌اش او را دیدار نماید و در زندگی کاری انجام داده باشد که سیرایش کند!

شاعر با اعلان بی‌زاری از تزویر و ریا، خود را محب اهل بیت معرفی کرده و طبق وصیت پیامبر (ص) دوستداران ایشان را دوست خود و دشمنان آنان را دشمن خود می‌شمارد:

أَهْوَى الْإِنِّي يَهْوَى «الْبَيْ» وَ آلَهُ أَبَدًا، وَأَشْنَأُ كُلَّ مَنْ يَشْنَأُهُ
(الحمدانی، ۱۹۹۴: ۳۴۸)

ترجمه: (من دوستدار کسی هستم که همیشه پیامبر و خاندانش او را دوست بدارد، و هر کس را که آنان بد شمارد، بد می‌دانم).

از دیدگاه ابوفراس، اگر چه ولایت علی (ع) از او گرفته شد، اما حقیقت نهفته در خطابه‌ی رسول (ص) و انتخاب امام علی (ع) را هیچ کس نتوانست از صفحه‌ی تاریخ و اذهان مردم پاک نماید؛ به طوری که شیعه و سنی بر این باور -که علی (ع) وصی و وزیر

رسول خدا (ص) است و خطبه‌ی غدیر در شأن اوست- اقرار و اعتقاد راسخ دارند.

روز غدیر از دیدگاه اهل تشیع، نماد تشیع است و علی (ع) اولین برگزیده‌ی الهی است و هیچ کس در فضیلت و مکارم اخلاقی نخواهد توانست بر او و آل مطهر او سبقت بگیرد؛ زیرا آنان معصومان الهی هستند و هرکس بر ریسمان آنان تمسک جوید، روز قیامت، آنان را شفیع خود خواهد یافت.

۵. غدیریه‌ی ابن الرومی

ابن الرومی یکی از مفاخر عالم تشیع، مردی فوق‌العاده و دارای ویژگی‌های ممتاز در امت اسلامی است، زیبایی و ظرافت اشعار طلایی فراوانش، رونق بخش بلاغت



فصلنامه ادبیات شیعه

۱۸

جایگاه والای امام
علی(ع) و حقیقت
متجلی در غدیر خم
در....

عربی است. اشعار غدیریه‌ی او از شمش‌های طلای ناب برتر و از ستارگان آسمان فزون‌تر و نورانی‌تر است، او در دوستی خاندان پیامبر (ص) هدف‌های بلندی دارد و اصولاً مدیحه‌سرایی‌اش برای آن خاندان و دفاع از آنان در برابر حملات مخالفان از حقایق آشکار زندگی اوست. او عشق به خاندان نبوی و مذهب تشیع را از پدر و مادرش علی‌الخصوص مادرش که اصالت ایرانی داشت به ارث برده و از همان کودکی عشق امام علی^(ع) را در دل خویش پرورانده بود که در نبوغ شعری او تأثیر وافر داشت. (علامه امینی، بی‌تا: ۶/۵)

از دیدگاه اهل تشیع و حتی اهل تسنن، جای هیچ شک و شبهه‌ای وجود ندارد که امام علی^(ع) از لحاظ اخلاق، برترین مردم بود که خداوند با زیباترین صفات خُلقی، او را زینت بخشیده بود. او ملازم تواضع بود و فقر را بر ثروتمندی ترجیح می‌داد. عمر بن عبدالعزیز درباره‌ی ایشان چنین گفته است: «أزهدُ الناسِ فی الدنیا علیُّ بنُ أبی طالبٍ» (پرهیزکارترین مردم در دنیا علی بن ابی طالب است). زهد امام، قایم بر ایمان راسخ به خداوند و پرهیزگاری صحیح نسبت به او بود. (الفاخوری، ۱۹۸۶: ۳۴۳)

با تمام این صفات و نهایت محسنات در حق پیشوای عالمیان، ابن الرومی با سجده بر آستان پاک نبوی، خاضعانه و سینه‌چاک، پذیرای عشق علی^(ع) و ولایت علی شده و اعتراف می‌کند که عشق او تا عمق دلش رسوخ کرده است. وی، راه علی^(ع) را همچون نوری فروزان معرفی می‌کند که گم‌گشتگان راه تاریک با نور آن، راه مستقیم را یافته و به سعادت ابدی دست می‌یابند. از دیدگاه ابن رومی، تنها شخصی همچون علی^(ع) که پرورده‌ی بزرگ مرد اسلام، پیامبر اکرم (ص) است، شایستگی ولایت بعد از او را دارد؛ چرا که او به باور شاعر، از هر ناخالصی و عیبی عاری بوده و همانند شمش طلای ناب، خورشید بلند مرتبه و ماه کامل در شب



تاریک است که هر گمراهی با نور علی^(ع)، امور دنیوی و لذات مادی را رها کرده و از برکتش از عذاب نجات می‌یابد و اگر روزی خورشید و ماه ناپدید شود ظلمات و تاریکی بر همه جا سایه افکنده و همه‌ی مردم روی بر گمراهی می‌نهند. شاعر احساسات خود را این‌گونه ابراز می‌کند:

يا هِنْدُ لَمْ أَعْشَقْ وَ مِثْلِي لَا يَرِي
لَكِنَّ حُجِّي لِلْوَصِيِّ مُخَيِّمٌ
فَهُوَ السَّرَاحُ الْمُسْتَنِيرُ وَ مَنْ بِهِ
وَ إِذَا تَرَكْتُ لَهُ الْمُحِبَّةَ لَمْ أَجِدْ
قُلْ لِي ءَأَتْرُكُ مُسْتَقِيمَ طَرِيقِهِ
وَ أَرَاهُ كَالْتَّبْرِ الْمَصْفَى جَوْهَرًا
وَ مَحَلَّهُ مَنْ كَانَ فَضْلًا بَيْنَ
عِشْقِ النَّسَاءِ دِيَانَةً وَ تَحْرُجًا
فِي الصَّدْرِ يَسْرُحُ فِي الْفُؤَادِ تَوَلَّجًا
سَبَبُ التَّجَاعِ مِنَ الْعَذَابِ لِمَنْ نَجَا
يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنْ ذُنُوبِي مَخْرَجًا
جَهْلًا وَ أَتْبَعُ الطَّرِيقَ الْأَعْوَجَا
وَ أَرَى سِوَاهُ لِنَاقِدِيهِ مُبْهَرَجًا
عَالٍ مَحَلِّ الشَّمْسِ أَوْ بَدْرِ الدُّجَا

(ابن الرومی، د.ت: ۱/ ۱۷۵)

ترجمه: (ای هند من عاشق نشدم و کسی همچون من عشق به زنان را صحیح

نمی‌داند و زیر بار گناه نمی‌رود/ اما عشق من نسبت به وصی پیغمبر در دلم سایه افکنده و تا عمق دلم رسوخ کرده است/ او چراغ فروزان است و هرکس از عذاب نجات یابد از برکت اوست/ اگر عشق او را رها کنم روز قیامت هیچ راه گریز و نجاتی از گناهام نمی‌یابم/ آیا از روی نادانی صراط مستقیم را رها کنم و دنباله‌روی راه منحرف (کج) باشم؟/ او را همچون شمشوی از طلای ناب و خالص می‌بینم و دیگران را در چشم ناقدی بصیر، ناسره می‌بینم/ در هر فضیلتی آشکارا و با عظمت، مقام او را تا درجه خورشید بالا و تا درجه ماهی کامل، در شبی تاریک می‌دانم.)

در این ابیات که شاعر آن را در خطاب به معشوق خود شروع می‌کند، قصد دارد هرگونه ابهامی را از افکار دیگران بزدايد، اگرچه او عاشق است اما می‌خواهد همه بدانند که عشق او، مادی و زمینی نیست، بلکه عشقی است که در آسمان هفتم



فصلنامه ادبیات شیعه

می درخشد و پیامبر اسلام بر آن دست می‌کشد. او خود را عاشق علی، ولایت علی و ولایت شیعی علی معرفی می‌کند، شخصی که این ولایت تنها حق او بوده و بدون هیچ ابهامی در کلام رسول خدا (ص) و بدون هیچ پرده‌ای، هویدای همگان گشت؛ آنجا که رسول (ص) فرمودند: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ» (الحسکانی، ۱۴۱۱: ۱۹۰/۱) و شاعر این حقیقت را چنین ادیبانه بیان می‌دارد:

قَالَ النَّبِيُّ لَهُ مَقَالًا لَمْ يَكُنْ يَوْمَ الْغَدِيرِ لِسَامِعِيهِ مُجْمَعًا
مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَذَا مَوْلَى لَهُ مِنْلِي وَأَصْبَحَ بِالْفَخَارِ مُتَوَجًّا
(ابن الرومی، د.ت: ۱/۱۷۵)

ترجمه: (پیامبر در روز غدیر سخنی گفت که برای شنوندگانش هیچ ابهامی نداشت/ هرکس که من مولای اویم، این (علی) مولای اوست و او بدین افتخار تاج (ولایت) گرفت.)



فصلنامه ادبیات شیعه

اگر با دیدی دیگر به مسأله بنگریم، می‌توانیم چنین برداشت کنیم که نه تنها در کلام ابن الرومی، بلکه در کلام دو شاعر دیگر نیز، غصه و دردی نهفته است که هر مسلمان شیعی را به‌اندوه و آه می‌دارد و آن، حق از دست رفته‌ی امام علی (ع) در ولایت است. وقتی ابن رومی می‌گوید که در سخن رسول (ص) ابهامی وجود نداشت، این، نشانگر اعتراض شاعر به خائنانی است که در پشت پرده‌ی خیانت، تمام اعمال چندین ساله‌ی خود در جوار رسول (ص) را بر باد داده و به خاطر حکومت و مال دنیوی بر وصی رسول که وحی و دستور الهی بود، خیانت کرده و آتش دوزخ را از آن خود ساختند، ولی هیچ‌گاه ماه پشت ابر نمانده و همیشه حق به حق‌دار رسیده است و حکومت نیز بر هیچ‌کس ماندگار نبوده و نیست، تنها نام نیک است که بر جای می‌ماند و ذکر و ثنای همگان می‌گردد، مهم این است که روز غدیر و عید غدیر همواره با نام علی (ع) شناخته شده و با ولایت علی (ع) پایدار مانده

است و حقیقت نهفته در غدیر، با ولایت علی^(ع) از جانب خدا و رسول خدا (ص) بر همگان متجلی گشته است و این امر هیچ وقت مبهم نبوده است، اگر چه بعضی‌ها سعی در از بین بردن حقایق دارند. این امر علی‌رغم خواسته‌ی شوم بعضی فرصت‌طلبان مبنی بر از بین بردن حقایق آن، هیچ‌گاه مبهم نبوده است و چکامه‌های غرّاً و رسای غدیر از دوره‌ی اسلامی تا عصر معاصر، در زبان عربی و پارسی در بین شاعران عرب و عجم بر حقیقت غدیر گواه بوده و مردمان را به این گرایش سفارش کرده است.

۶. نتیجه

طی بررسی انجام شده در طول کار پژوهش می‌توان موارد زیر را جزو حاصل بحث عنوان نمود:

- غدیریه‌ی هر سه شاعر بزرگ عباسی در نوع خود بی‌نظیر و ارزشمند بوده است که در شعر و ادب عربی شهره‌ی جهان اسلام و شیعه گشته و به جاودانگی رسیده است که می‌توان ریشه‌ی آن را در مذهب شیعه‌ی علوی این سه شاعر و احساسات پاک درونی آنان نسبت به علی^(ع) و خاندان پاک و مطهر ایشان دانست.

- آنچه سبب تعصب شدید شاعران نسبت به آشکار ساختن مذهب شان می‌شود، اهانت‌هایی است که در طول تاریخ مخصوصاً جو حاکم دوره‌ی عباسی از جانب دشمنان بر آل علی روا می‌شد که در نتیجه‌ی آن شاعران را واداشته تا با زبان تند شعری و آمیخته با مدح و هجو بر آنان تاخته و حقیقت غدیر و خطبه‌ی معروف پیامبر را به صراحت یادآوری کنند، در این میان، می‌توان شریف الرضی را به دلیل انتسابش به امیر المؤمنین علی^(ع) از دو شاعر دیگر متمایز ساخت؛ زیرا این انتساب، همواره مایه‌ی افتخار شاعر بوده و غدیریه‌ی او را مشهورتر از غدیریه‌ی دو



شاعر دیگر ساخته است، اما ابوفراس حمدانی با تربیت و رشد در میان حکومت شیعی حمدانیان به دفاع از آل علی برخاسته و بدون هیچ ترس و واهمه‌ای جنایت و خیانت‌های دشمنان را آشکار کرده و بنی عباس و بنی امیه را رسوای عالم ساخته است در واقع شجاعتی که در ابوفراس به دلیل روحیه‌ی جنگاوری وی دیده می‌شود، سبب اشتهاشعار وی گشته است که در دو شاعر دیگر دیده نمی‌شود. ابن رومی شاعر بزرگ نیز ارادت به آل علی را از مادرش که اصالت ایرانی داشت به ارث برده و همچون دو شاعر دیگر با چراغ نور آنان راه خویش را یافته و با اعتراف به امامت علی، خطبه‌ی معروف پیامبر و حق سلب شده‌ی ایشان بر دشمنان تاخته است.

کتابنامه

❖ قرآن کریم

- ❖ ابن الرومی، علی بن عباس؛ (د.ت)، الديوان، تحقيق حسين نصار، بيروت: دار الكتب العلمية.
- ❖ امینی، علامه شیخ عبدالحسین احمد؛ (بی‌تا)، الغدير، ترجمه جمال الدین موسوی.
- ❖ انصاری، محمد باقر؛ (بی‌تا)، خطابه‌ی غدیر، گزارش مراسم سه روزه در غدیر خم (متن عربی و ترجمه‌ی فارسی خطبه‌ی غدیر)، بی‌جا.
- ❖ بروکلیمان، کارل؛ (د.ت)، تاریخ الادب العربی، الجزء الثاني، قاهرة: دار المعارف.
- ❖ برقعی قمی، علی اکبر؛ (۱۳۱۸ش)، «تاریخ شریف رضی»، مجله: ارمان، سال بیستم، ش ۳، صص ۱۹۲-۱۸۵.
- ❖ پورامینی، محمدباقرغ (۱۳۸۰ش)، ابوفراس حمدانی شهریار شعر، قم: پژوهشکده باقرالعلوم.



- ❖ جویا، جهانبخش؛ (۱۳۷۹ش)، سید شریف رضی و نهاد حماسی نهج البلاغه، مجله: کتاب ماه دین، شماره ۳۷، صص ۹-۳.
- ❖ الحسکانی، حاکم؛ (۱۴۱۱هـ)، شواهد التنزیل، قم: مجمع إحياء الثقافة الإسلامية.
- ❖ حطیط، کاظم؛ (۱۹۸۷م)، اعلام و روآد فی الأدب العربی، بیروت: الشركة العالمية للكتاب.
- ❖ حقانی زنجانی، حسین؛ (بی تا)، «حدیث غدیر و اثبات ولایت حضرت علی (ع) از نگاه شیخ مفید (ره)»، نشریه: علوم انسانی، مجموعه مقالات کنگره‌ی شیخ مفید، ش ۷۹، صص ۱۹-۳.
- ❖ الحمدانی، ابوفراس؛ (۱۹۹۴م)، دیوان ابی فراس الحمدانی، شرح: الدكتور خلیل الدویهی، بیروت: دار الكتاب العربی.
- ❖ الرضی، شریف؛ (د.ت)، دیوان شریف الرضی، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، الجزء الأول.
- ❖ زیات، احمد حسنغ (د.ت)، تاریخ الأدب العربی (للمدارس الثانویه و العلیا)، قاهرة: دار نهضة مصر.
- ❖ شیروی خوزانی، مصطفی؛ (۱۳۸۱ش)، «بازتاب زندگی علی (ع) و صفات بی بدیل ایشان در اشعار عربی»، تهران: نشریه‌ی دانشکده ادبیات و علوم انسانی، ش ۱۶۴، صص ۳۲۳-۳۳۸.
- ❖ الضیف، شوقی؛ (۲۰۰۲م)، تاریخ الأدب العربی (العصر الإسلامی)، قاهرة: دارالمعارف.
- ❖ غالب، مصطفی؛ (۱۹۷۸م)، فحول الشعراء، بیروت: منشورات دارحمد.
- ❖ الفاخوری، حنا؛ (۱۹۸۶م)، الجامع فی تاریخ الادب العربی، بیروت: دارالجیل.
- ❖ فروخ، عمر؛ (۱۹۸۹م)، تاریخ الادب العربی، الجزء الثانی، بیروت: دارالعلم للملایین.
- ❖ متقی، علی بن حسام الدین؛ (بی تا)، کنز العمال فی سنن الأقوال و الأفعال، بیروت: مؤسسة الرسالة.



فصلنامه ادبیات شیعه

۲۴

جایگاه والای امام
علی(ع) و حقیقت
متجلی در غدیر خم
در....

- ❖ مغنیه، شیخ محمد جواد؛ (۱۳۸۶ش)، فضیلت‌های امام علی (ع)، ترجمه: سید عبد الرزاق سیادت، چاپ اول، قم: دار الکتب الإسلامی.
- ❖ موسوی، سید صادق؛ (۱۳۸۶ش)، قرآن ناطق علی بن ابی طالب (اولین مؤمن و اولین مظلوم)، چاپ اول، تبریز: آذربایجان.
- ❖ واقف‌زاده، شمسی؛ (۱۳۸۳ش)، «شریف رضی»، نشریه: کیهان فرهنگی، ش ۲۱۸، صص ۶۱-۵۶.



فصلنامه ادبیات شیعه

۲۵

جایگاه والای امام
علی(ع) و حقیقت
متجلی در غدیر خم
در....



فصلنامه ادبیات شیعه

جایگاه والای امام
علی(ع) و حقیقت
متجلی در غدیر خم
در....